

حفار یهای جدید در تپه گوران

در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ گروهی از باستان شناسان دانمارکی حفاریهای در لرستان انجام دادند که مطالعه بر روی آثار بدست آمده حصول نتایج بسیار مهم و پرازشی را نوید میدهد .

تاریخچه حفاری در لرستان تقریباً از سی سال قبل آغاز میگردد و هم اکنون هزاران قطعه از آثار عهد برنز لرستان در موزه های عمومی امریکا یا اروپا ویا در مجموعه های شخصی نگاهداری میشود . آثار برنزی لرستان از قبیل خنجر، مجسمه، زینت آلات و غیره تقریباً از سال ۱۹۲۰ میلادی برای فروش در بازارهای اروپا و امریکا عرضه گردید و هنوز هم این سودا ادامه دارد بدین ترتیب که ایلات لرستان آن ناحیه که بمحل قبرها بهتر آگاهی دارند بدون رعایت هیچگونه اصل علمی و تنها بتخاطر یافتن اشیاء برنزی گورها را میشکافند و اشیاء بدست آمده را بسوداگران کرمانشاه یا تهران میفروشند و سپس این اشیاء بطرق متعدد از کشور خارج میشود . چه بسا که در چنین گورهای اشیاء نفیس یا ظروف سفالین و غیره نیز بوده ویا طرز قرار گرفتن جسد ها و ساختمان گورها و بقایای استخوانها نکته های بسیاری از لحاظ علم مردم شناسی و طبیعی فاش سازد اما چون هدف و غرض حفاران محلی فقط یافتن اشیاء برنزی است آنچه غیر از برنز بدست آید بکناری زده میشود و بدون توجه از بین میرود .

در طی سی سال اخیر حفاریهای علمی قابل توجهی نیز توسط جمعی از باستان شناسان و حفاران خارجی در لرستان بعمل آمده است . در سال ۱۹۳۰ آندره گدار (۱) ناحیه شمال شرقی

* - تحصیلات نویسنده این مقاله در رشته زبانهای ایرانی است . تنها اهمیت موضوع و شوق عرضه آن بفارسی زبانان خصوصاً باستان شناسان ایرانی موجب فراهم آوردن این مقاله گردیده است . لذا از خطاهای احتمالی قبلاً پوزش میطلبد و امیدوارست نظریات اسلاخی خوانندگان صاحب نظر شامل مندرجات این مقاله بشود .

هرسین را مورد اکتشاف قرارداد و پس از او خانم فریا استارک (۱) حفاریهایی در محل بیلاقی ایلات لردردلفان والیشتر انجام داد اما هیچیک از آنان موفق بیافتن اشیاء برنزی قابل توجهی نشد. در سال ۱۹۳۶ سر آورل اشتاین در طول جنوبی رود سیمره و تمام قصبات و مراکز عمده لرستان در مرکز و شمال آن ناحیه اکتشافات مقدماتی و حفاریهایی انجام داد که بسیاری از مطالب مربوط بدوران قبل از تاریخ لرستان را روشن میساخت اما اکثر گورهایی که وی بان دسترسی پیدا کرد قبلاً از اشیاء برنزی خالی شده بود (۲). پس از آن مهمترین حفاری که در لرستان بعمل آمد و از حیث وسعت عمل و روش و ترتیب کارشایان توجه بود حفاریهای دهیات اکتشافی هولمز، است که زیر نظر دکتر اشمیت دوبار در سالهای ۱۹۳۴-۳۵ و ۱۹۳۸-۱۹۳۷ در لرستان انجام گرفت (۳) دکتر اشمیت نیز متأسفانه موفق بیافتن محل واقعی گورهایی که ممکن بود در آن برنزیافت شود نگردید و تنها بگورهایی دست یافت که قبلاً از اشیاء برنزی خالی شده بود. پس از بازگشت هیأت اکتشافی هولمز افراد محلی دنبال کارآنانرا گرفتند و گورهای تازه ای حفر و محتویات برنز آنها خالی نمودند.

بهر حال برنزلرستان که از اعماق تپهها و دره های آن ناحیه بخارج سرازیر است موجب جلب نظر عمده بسیاری از محققین و باستان شناسان گردیده بطوریکه در آخرین نشریه مربوط با تاریخ برنز به ۱۰۴ کار و تحقیق در آن باره اشاره شده است (۴) و باید متأسفانه اذعان کرد که تقریباً تمامی آثار برنزلرستان توسط افراد محلی بدست آمده که هرگز اطلاعی درباره محل گورهای حاوی آن به باستان شناسان و یا مقامات دولتی نداده اند.

در میان همه حفاریها و اکتشافاتی که تاکنون در لرستان بعمل آمده دو حفاری که هیأتی از موزه ملی دانمارک در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ در لرستان انجام دادند بدلا بلی که خواهد آمد از آنچه تاکنون در آنجا انجام گرفته پرارز شتر و با اهمیت ترست. اگر چه سالها وقت

1— Freya Stark, The Bronzes of Luristan. The Geographical Journal, Vol. LXXX, 6 1932.

2— Sir A. Stein, Old Routes of Western Iran. London, 1940.

3— E. F. Schmidt, Flight over Ancient Cities of Iran. Chicago, 1940

E. F. Schmidt, The Second Holmes Expedition to Luristan. Bull. Am. Inst. Persian Art and Archeology IV, 1938.

4— L. Vanden Berghe, Archaeologie de L' Iran Ancien, Leiden 1959.

لازم است تا بر روی ۱۹۰۰۰ عدد اشیاء بزرگ و کوچکی که بدست آمده مطالعه نموده و نتایج نهائی را از مجموع اطلاعات بدست آورد اما توجه باین نکته که در دو حفاری اخیر تنها هدف یافتن برنز نبوده بلکه باستان شناسان دانمارکی در میان سایر اشیاء بدست آمده قدیمیترین ظرف سفالین دنیا را نیز در لرستان یافته اند و با آثار اولین روز هائی که بشر اقدام به کشت و زرع اهلی نمودن حیوانات نموده دست یافته اند این حفاریها را شاید از اهمیت و توجه میسازد. نکته جالب دیگر آنست که همانطور که خواهد آمد دوران و آثاری که از زندگی ساکنان این قسمت ایران کشف گردیده از لحاظ تاریخ بسیار قدیمی تر از دوران و اشیاء بدست آمده از تپه سلیک است و در واقع تاریخ تپه گوران را باید از جایی شروع کرد که تپه سلیک بان ختم میشود.

چندین سال بود که موزه ملی دانمارک در نظر داشت با استفاده از روشهای تازه ای که باستان شناسان دانمارکی در حفاریهای ناحیه ای و حفاری گورهای قدیمی اختیار نموده اند دست بچنین حفاری و اکتشافی در لرستان بزنند تا آنکه پیشنهاد شرکت کامپساکس (۶) که در آن سالها در لرستان جاده میساخت و توجهی که مدیر این شرکت یورگن ساکسیلد (۷) نشان داد و کمکهای مالی دو موسسه کامپساکس و کارل برک (۸) این آرزو را عملی ساخت و باستان شناسان دانمارکی تحت سرپرستی یورگن ملدگورد (۹) موزه دار موزه ملی دانمارک پس از کسب اجازه از اداره کل باستان شناسی اقدامات خود را در لرستان آغاز نمودند. آنچه که عملیات آنها را موفقیت آمیز ساخت کمکهای گرانبهای بود که ایلات لر و چند تن از روسای آنها بیدریغ با این هیأت نمودند و جلب اعتماد و دوستی ایشان موجب راهنماییهای ذیقیمتی گردید.

همانطور که ذکر گردید این حفاریها در دو نوبت انجام گرفت یکی در سال ۱۳۴۱ و دیگری در سال ۱۳۴۲ که اینک بشرح هر یک از این دو عملیات و آنچه که ملاحظه گردیده میپردازد.

۶- شرکت کامپساکس Kampsax یک شرکت ساختمانی دانمارکی است که درسی سال اخیر راههای زیادی در ایران ساخته است.

7- Jorgen Saxild

۸- کارخانه دانمارکی Carlsberg که آبجو و نوشیدنیهای غیر الکلی میسازد و سهم اعظم منافع خود را که سالیانه بمبالغ هنگفتی ببالغ میگردد صرف فعالیتهای علمی و فرهنگی مینماید.

9- Jorgen Meldgaard

منطقه‌ای که در سال ۱۳۴۱ مورد اکتشاف و حفاری قرار گرفت نزدیک بجاده جدید شاه‌آباد به ملاوی و شامل شابداغ - هولیلان - بولران - طرهان و کوه دشت میشد . در ۱۷ نقطه حفاری بعمل آمد که بیشتر گورها قبلاً از اشیاء برنزی خالی شده بود و بقرارات ظاهر باستان‌شناسان دانمارکی در نقاطی ۲۰۰ تا ۳۰۰ حفره دیده شده بود که برای دست یافتن با اشیاء برنزی گودالها را حفر نموده بودند و ساعت بعضی از این گودالها به سه متر طول و چهار و نیم متر عمق میرسیده است .

محل و طبقه بندی گورهای عهد برنز

از روزگاران بسیار پیش قسمت اعظم ایلات لر که در شمال رود کشکان (قسمتی از کرخه) سکونت داشتند همه ساله با کله‌های گوسفند و بز و اسب خود بین سردسیر و گرمسیر رفت و آمد میکردند ولی این «بیلاق - قشلاق» از حدود سال ۱۳۱۰ باینطرف از جانب دولت ممنوع گردید . سردسیر آنان ارتفاعات هر سین - دلفان و البشتر بود و گرمسیر که بیشتر مناطق کشاورزی و دامپروری را شامل میشد عبارت بود از هولیلان - طرهان و کوه دشت . از آنجا که در سالهای اولیه برنز لرستان بیشتر از هر سین بخارج برده میشد لذا بنظر حفاران و باستان شناسان خارجی تنها تپه‌های مرتفع محل دفن آثار برنزی شناخته گردید و نقاطی چون هولیلان و طرهان که در گرمسیر دشتهای پائینتر واقعند از حوزه عملیات اکثر آنان خارج بود .

باستان شناسان دانمارکی با مطالعات لازم و اطلاعاتی که در طی دو دوره اکتشاف بدست آورده اند آثار بدست آمده از گورهای نواحی فوق را طبقه بندی نموده و اساسی برای تقسیم بندی جامعه‌ای که در عصر برنز در لرستان زندگی مینموده اند بدست داده اند . اگرچه این تقسیم بندی آزمایشی و در مرحله اولیه تحقیق و تفرس است اما از نظر جامعه شناسی جالب میباشد . اشیاء بدست آمده از گورهای لرستان به سه دسته تقسیم شده است :

طبقه ۱ - افسار و دهانه و یراق اسب اشیائی که برای نذرو پرستش بکار میرفته اسلحه زینت آلات شخصی و لوازمی که منحصرأ در گورهای دشتهای نزدیک به هولیلان و طرهان بدست آمده است .

طبقه ۲ - اشیائی که برای نذرو پرستش بکار میرفته - اسلحه - زینت آلات شخصی ظروفی که منحصر بگورهای طبقه ۱ و گورهای تپه‌های وسیع کن‌آباد - تپه چشمه ماهی در هولیلان و تپه‌های طرهان است .

طبقه ۳ - اشیاء برنزی معمولی مثل اسلحه و زینت آلات شخصی و ظروف که در گورهای

طبقه ۲ و ۱ و سایر گورهایی که در لرستان پراکنده است پیدا شده است.

با توجه باینکه اشیاء بدست آمده ازین سه طبقه گوردریک قسمت بایکدیگر یکسان و مشترك است بنابراین میتوان بترتیب زیر اساسی برای تقسیم بندی جامعه ای که ساکنان لرستان را در عصر برنز تشکیل میداده است بنا نهاد :

۱- طبقه سوارکاران و جنگجویان که قسمت وسیعی از غرب آسیا را در نورددند و مردگان خود را در دره های سرسبز و دامنه تپه هایی که دشتهای حاصلخیز هولیلان و طرهان را احاطه نموده دفن مینموده اند .

۲- گروه وسیع و بزرگ کشاورزان که در دشت ناهبرده در بالا کشاورزی و دامپروری مینموده اند . بعضی از آنان با مقدار زیادی آثار برنزی از جمله وسائل عیادت در دهکده خود دفن گردیده اند و آثار بدست آمده نشانۀ ارتباط آنان با طبقه جنگجویان هم هست .

۳- اکثریت افراد جامعه شامخ جنگجویان کناورزان و گله داران بر طبق گروهی که بآن بستگی داشتند در سرزمینهای مرتفع سردسیر در جوار اردو و یا گله خود بخاک سپرده شده اند این شیوه زندگی و دفن مردگان شباهت زیادی بطرز زندگی ایلات لر تا سال ۱۳۱۰ دارد .

بدیهی است این طبقه بندی تنها از روی آثار بدست آمده است و درینخصوص طرز ساختمان گورها و وضع گورستانهای مختلف و عمق گورها و غیره در نظر گرفته نشده و در مورد این طبقه بندی باید با دقت و احتیاط علمی بیشتری در آینده تحقیقات را دنبال کرد .

در طی حفاریهای سال ۱۹۶۲ باستان شناسان بزبور متوجه تپه ای موسوم به تپه گوران شدند که در قسمت شمالی دشت هولیلان قرار دارد . طبی گفته اهالی محل اشیاء برنزی که از گورهای این منطقه خارج شده شامل اشیاء معمولی بدون یراق اسب و افسار اسب بوده است . در آزمایشهای مختصری که بمحل آمد معلوم شد این تپه دقیقاً مورد کاوش و تجسس قرار نگرفته و چند قطعه سفال و سنگ چخماق که پس از حفر مختصری بدست آمد نشان آن بود که آثاری از عهد حجر در این تپه وجود دارد . مشاهدات بعدی در یکی از گورهای گشوده شده آثار دیگری از سفال و کوزه گری را نمایان ساخت که بقطعات بدست آمده از جار و سراب شباهت بسیار داشت . با در نظر گرفتن تحقیقاتی که روبرت بریدوود (۱) اخیراً در تپه سراب کرمانشاه انجام داده است هیأت باستان شناسان تصمیم گرفت تپه گوران را برود

اكتشاف قرار دهد تا شاید اطلاعاتی در مورد وضع کشاورزی بشر اولیه بدست آید. اظهار نظر بریدوود مبنی بر اینکه «ممکنست تپه کرمانشاه بواسطه ارتفاعی که دارد منطقه مطلوبی برای نخستین اقدام بشر بکشاورزی و دامپروری نبوده باشد» موجب شد که هیأت باستان شناسان دانمارکی تپه گوران را که در دشت پرآب و حاصلخیز هولیان و تقریباً ۳۵۰ متر پائینتر از دشت کرمانشاه قرار دارد بیشتر مورد نظر قرار دهد و آنجا را از نظر بدست آوردن اولین آثار کشاورزی بشر مورد اکتشاف و بررسی قرار دهد. هیأت مزبور برای تمهید مقدمات و کسب اجازه حفاری و تهیه وسائل لازم و کافی برای يك اکتشاف وسیع بدانمارك بازگشت و در بهار ۱۹۶۳ مجدداً عملیات خود را در لرستان دنبال نمود.

حفاری سال ۱۹۶۲ در تپه گوران

هیأت باستان شناسان دانمارکی از ۶ نفر عضو شامل باستان شناسان و مهندس معمار و نماینده اداره کل باستان شناسی ایران تشکیل میگردد. سرپرستی این هیأت نیز بسا یورگن ملدگورد بود و دو گروه پانزده نفری از اهالی محل قریب یکماه دو نقطه از تپه گوران را مورد حفاری قرار دادند.

در دامنه جنوبی تپه مزبور محوطه‌ای بمساحت ۶×۱۱ متر گشوده شد و حفاران که بدنبال گور عهد برنز زمین را حفر مینمودند متوجه شدند که به بقایای بناهایی که گورهای عهد برنز در آن حفر گردیده دست یافته‌اند که توجه بآن از جنبه پی بردن بفرهنگ و هنر مردمی که آنرا ساخته‌اند بسیار با ارزش و مهم است. بقایای ساختمانهایی که کشف شد شامل چند اتاق می‌گردد که برای سکونت ساخته شده بود. دیوارها از سنگهای طبیعی تراش نخورده تشکیل شده بود که ارتفاع آن به ۸۰ سانتیمتر میرسید. ضخامت دیوارها بین ۵ تا ۷۰ سانتیمتر بود و در بیشتر دیوارها بخوبی دیده میشد که روی سنگها لایه‌ای از گل پوشیده شده و این پوشش در چند جا تا روی کف اتاق هم امتداد پیدا کرده است (ش ۵). در بین خانه‌ها یکی که بهتر از همه باقی مانده بود و تنها گوشه‌ای از آن بواسطه حریق از بین رفته بود مورد حفاری قرار گرفت و پس از حفاری تمام ظروف سفالین در محل اصلی بکار بردن خود دست نخورده پیدا شد.

حفاری این قسمت از تپه با کمال دقت تا بیابن ادامه یافت و ۲۱ طبقه مشخص شد (شکل ۳) که در تصویر از A تا V تقسیم بندی شده است. قسمت A تا C متعلق بدوران برنز لرستان و بعد از اسلام است و قسمت D تا V که دست نخورده باقی مانده و به ۶ تا ۷ متر بالغ میشود معرف دورانی است که کشاورزی و دامداری برای اول بار آغاز شده است و قدمت آن از ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد تخمین زده میشود.

در قسمت زیرین که طول آن به ۱ تا ۱/۵ متر میرسد تنها بقایای ساختمانهای گلی

که اغلب با ذغال چوب همراه است دیده شد. از قسمت P به بالا ساختمان خانه‌ها باخت خام است و یک کلبه چوبی نیز دیده شده است. تا قسمت M هر دو نوع ساختمان چوبی و گلی دیده شده. از M بالا خانه‌ها همه با خشت است و دیوارها گاهی روی پی‌های سنگی قرار دارد. در دوران جلوتر از جمله قسمت E بعضی از دیوارها و کف اتاق‌ها با کچ سفید یا قرمز پوشیده شده و کف دیگر اتاقها با تکه‌های سفید یا رنگین فسفات مفروش گردیده است. درین قسمتها اطرافها کوچکتر دیوارها ضخیمتر و معمولا ساختمان دارای قسمتهایی چون نیمکت یا میزاز گل میباشد.

در سه قسمت پائین (T تا V) هیچ نوع ظرف سفالین یافت نکردید اما ظرف سفالینی که در قسمتهای بالاتر یافت شده میتواند بطریق زیر طبقه بندی نمود.

۱- قدیمیترین نوع ظرف سفالین که در گوران بدست آمده از قسمت S است. رنگ این سفالها قهوه‌ای خاکستری دیواره آن با انحناء و جنس ظرف خشن و زمخت است. در سطح بین O و R نیز چنین ظرفهایی دیده شده و بعد بکلی ناپدید گردیده است. بدنه این ظرفها سوزانده شده و از لحاظ فنی شباهت زیادی بظرفهایی که ذیلا ذکر میگردد دارد. احتمال دارد این ظرفها جزء اولین سفالی باشد که بشر اولیه کمی پس از سکنی گزیدن در دهکده ساخته و پرداخته است.

۲- از قسمت R بیعد ظرفهای زرد رنگ ساده دیده میشود و در قسمتهای بالاتر تعداد آن بیشتر میشود که معرف سکنه زیاد دهکده میباشد. سطح ظرف بتدریج صافتر میگردد و رنگ آن از زرد بزررد نارنجی و قرمزمی گراید. این سفالها مدر و دیواره‌های اطراف آن صاف و با گردونه مسطح میباشد.

۳- نقاشیهای ابتدائی و مقدماتی در تعداد کمی از این ظرفها بین سطح S تا O دیده میشود. گل این ظرفها نرم و متوسط آن صاف و حرارت دیده. اطراف و بدنه ظرف زرد مایل بقرمز است اما بعضی از طرحها مانند توروزیا زنبیل است.

۴- نقاشیهای یکسان از قسمت O شروع میشود و تا بالا در همه طبقات ادامه دارد گل ظرف نرم و خوب و سطح آن صاف و سوزانده شده است. رنگ ظروف بعضی زرد بعضی نارنجی و برخی قرمز است. طرحها با قرمز جاری کشیده شده اما نوع طرح و شکل ظرفها و ربطات بالاتر تنبیر مییابد.

در قسمتهای بین O تا H ظرفهایی با دیواره‌های گرد و خطوط مورب و مایل روی آن پیدا شده است. این شکل ظرف با نمونه‌هایی که از جارموبدست آمده شباهت کامل (۱)

از طبقه I بیلا طرحهای مورب روی بدنه ظروف شکل مشخصتری بخود میگیرد و اشکال دایره مانند روی سفالهای پیدا میشود. نقاشیهای مورب و درهم روی سفالهای این قسمت نیز با طرح سفالهای بدست آمده از حفاریهای تپه سراب شباهت کامل دارد و تقریباً یکسانست.

۵- ظروف قرمز رنگ که از طبقه H تا D بدست آمده و مشخص دوران اخیر است. گل آن از خاک نرم و خوب سطح آن صاف و اشیائی که بدست آمده شامل فنجان و سایر ظروف و کاملاً شبیه ظرفهایی است که در ناحیه غرب ایران و عراق بدست آمده است.

تاکنون بجز تپه سیالک گزارش مشروح حفاریات تپهها و مناطق دیگری که در این مقاله از آن ذکر کرده بطور مشروح منتشر نگردیده لذا هنوز نمیتوان از لحاظ قدمت این نقاط را با یکدیگر سنجید اما بطور کلی میتوان جدولی که بطور نسبی قدمت این تپهها را با یکدیگر مقایسه نماید بدست داد (شکل ۱۱)

علاوه بر اشیاء سفالینی که در بالا ذکر گردید در تمام طبقات تپه گوران اشیاء سنگی زیادی نیز بدست آمده است. این اشیاء شامل تعداد زیادی گوی های سنگی. سنگهای جلا دهنده و تیز کن - ماله - هاون - دسته هاون - سنگهای آسیا - سنگهای رنگ سائی - مشته دستاس و انواع مختلف تیغه و کارد میباشد.

برای ساختن ظرفهای گرد و مدور و ظرفهای گوی و مخروطی مرمر سفید یا قرمز بکار میرده اند (شکل ۶)

اشیائی مانند درفش - سنجاق - میله هایی که برای کشیدن رنگ و یا مرهم بکار میرفته و اینگونه چیزها از استخوان و صدف نوعی سنگ ساخته میشود است. آدمکهای کوچک مهرها و دانههایی که برای زینت و غیره بکار میرفته از گل پخته شده میساخته اند. در مورد آغاز بکار رفتن سنگ در زندگی روزمره باید ذکر کرد که تعداد زیادی وسائل سنگی کشاورزی خصوصاً در قسمت های وسط و بالای تپه بدست آمده است. در قسمت های پائینتر این نوع اشیاء کم دیده شده است. از چهار قسمت پائین تپه تنها دو عدد شیئی سنگی بدست آمده یکی یک تپه سنگی تیز از قسمت S و دیگری یک تکه سنگ رنگ سائی از قسمت T این امر ممکنست نشانه آن باشد که مردمی که در تپه گوران برای زندگی مستقر شدند در اول شبانانی بودند که در کلبه های چوبی زندگی مینمودند و بعد کم کم کشاورزی در بین آنان توسعه یافت و خانهها از چوبی به گلی تبدیل شد.

در تپه گوران به ۱۹ قبر دسترسی حاصل شد که طرز ساختن آن و اشیاء مختلف برنزی و سنگی که از آن بدست آمده تحت مطالعه است. نگارنده بسیاری از این اشیاء را در موزه کبنهاک دیده است اکنون هیأتی از باستان شناسان دانمارکی مشغول مطالعه بر

آثار بدست آمده و تشخیص قدمت آن هستند و با قید احتیاط قدیمترین شیئی بدست آمده را به ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح منسوب میدانند. بدرخواست موزه ملی دانمارک سهم دولت ایران از اکتشاف مزبور نیز برای مدت دو سال بطور امانت در اختیار موزه دانمارک قرار گرفته تا در گزارش بسیار مشروح و مفصلی که در دست تهیه است مورد استفاده قرار گیرد.

شرح عکسها

- ۱- نقشه عمومی قسمتی از شمال لرسنان که گورهای برنزد را آنجا یافت میشود.
- ۲- منظره عمومی دشت هولیلان. در سمت راست عکس تپه گوران دیده میشود.
- ۳- برشی از قطع عمومی تپه گوران. طبقات مختلف از A تا V تقسیم بندی شده قسمت A تا C مربوط بدوران برنز و دوران بعد از اسلام و D تا V معرف دوران اولیه کشاورزی میباشد.
- ۴- يك اجاق که در قسمت E حقاری شده و نمونه اجاقی است که بشر در اولین روز هائی که در دهکده سکنی گزید و اندام بکشاورزی کرد بکار میروده است (تقریباً ۶۰۰۰ قبل از میلاد)
- ۵- تصویری از دیوار و سنگهای ریز فلسپات که در کف اتاق بکار میرفته است. روی دیوار لایه ای از نوعی گل و گچ دیده میشود (رجوع کنید بمقاله)
- ۶- ظرفی از مرمر قرمز با ارتفاع ۷/۲ سانتیمتر. این ظرف در آغاز دوران سفال پیدا شده و بسیار ظریف و زیبا میباشد.
- ۷- چند تکه سفال قدیمی با نقشهای مختلف
- ۸- تکه هائی از سفال با نقشهای مختلف روی آن. نقش قطعات a تا c شبیه نقش سفالهای بدست آمده از تپه جازمو. e و d شبیه نقش سفالهای تپه سراب و f و g که نقش آن بیشتر درهم است منحصر بطرف بدست آمده از تپه گوران میباشد.
- ۹- شکل عمومی و نقش ظرفهای بدست آمده از تپه گوران. a و b ظروف باناشی قدیمی c تا f نقاشیهای یکسان g و h ظروف زرد رنگ بدون نقاشی i - l رنگ زرد سوخته شده.
- ۱۰- جدول معرف قدمت تپه های مختلفی که درین مقاله از آن ذکر شده نظوط مورب معرف دوران قبل از سفال و قسمت های سیاه معرف دوره های بعدی است.
- ۱۱- يك گور از عهد قبل از سفال (تقریباً ۶۵۰۰ قبل از میلاد)
- ۱۲- يك ظرف سه پایه که از يك گور عهد برنز بدست آمده. نقاشی روی ظرف معرف نقش عمومی سفالهای است که از تپه گوران بدست آمده است. این ظرف متعلق به ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد میباشد.
- ۱۳- چند قطعه برنز که در یکی از گورهای تپه گوران پیدا شده است.